

امنیت ملی و تحریم‌های یک جانبه و بین‌المللی

مجتبی انصاریان^۱، سمانه ناصری^۲

از صفحه ۹۱ تا ۱۱۶

دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۰۱

پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۱۵

چکیده

ایران به دلیل سیاست خارجی و نوع نگرش به روابط بین‌المللی و از طرفی رقابت‌های قدرت‌های بزرگ دچار تحریم‌های مختلف شده است. این امر پس از انقلاب اسلامی شدت بیشتری گرفته؛ چنان‌چه حتی از سوی بازیگرانی نه چندان قدرتمند تحریم شده است. ایالات متحده از سال ۱۹۸۰ میلادی، شورای امنیت و اتحادیه اروپا از ۲۰۰۶ م. ایران را در حوزه‌های مختلف از جمله بازرگانی و مالی تحریم نموده‌اند. دولت‌های دیگر بر اساس وظیفه ذاتی عضویت در سازمان ملل متحد و تبعیت از شورای امنیت طبق ماده ۲۵ منشور و بنا بر مصالح و منافع ملی خود در مواردی از تحریم‌های امریکا، اتحادیه اروپا پشتیبانی و حتی خود به اعمال تحریم‌های مستقل اقدام نمودند. تحریم‌های اعمالی علیه ایران بر شاخص‌هایی که پیش‌نیاز امنیت اقتصادی می‌باشد شامل خرید و فروش کالاها و مواد اولیه، بازرگانی، تجمیع سرمایه داخلی، سرمایه‌گذاری خارجی، روابط مالی و بانکی، انتقال دانش و فن‌آوری هم‌چنین به عنوان شاخص‌های اقتصاد پر رونق تاثیر منفی زیادی داشته است. هم‌چنین تحریم‌ها بر مولفه‌ها و عناصر تشکیل دهنده امنیت اقتصادی شامل تولید، حق کار و تورم به شدت تاثیر منفی از خود برجای‌گذارده است. در مجموع تحریم‌ها از منظر دکترین امنیت انسانی، بر توسعه انسانی ایران و حقوق بشر شهروندان ایرانی به خصوص نسل دوم آن تاثیر منفی چشمگیری داشته است.

پرسش این پژوهش میزان تاثیرگذاری تحریم‌ها بر امنیت ملی ایران است که به دلیل تاثیرگذاری بسیار زیاد تحریم‌ها و تا حدی کارآمد شدن آن (این دو فرایند "تاثیرگذاری و کارآمدی" مرتبط اما یکی نمی‌باشند؛ بدین معنی که ممکن است تحریم‌ها بر کشوری بسیار گسترده و اثرگذار باشد اما از کارآمدی لازم که هدف تحریم‌ها از منظر تحریم‌کنندگان بوده برخوردار نباشد. تاثیرگذاری در حوزه اقتصادی و کارآمدی در حوزه سیاسی است). لزوم بحث و بررسی درخصوص سنجش تاثیر تحریم‌ها و تشریح آن برای مسئولین محترم و از طرفی تعهدات شورای امنیت و دولت‌هایی که به صورت یک جانبه به اعمال تحریم بر ایران مبادرت ورزیدند و هم‌چنین تعهدات حقوق بشری دولت ایران ضروری به نظر می‌رسد.

واژه‌های کلیدی: تعهدات حقوق بشری، تحریم‌های چند جانبه، تحریم‌های یک جانبه.

۱. استادیار حقوق بین الملل دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول).

۲. دکتری حقوق جزا.

دیباجه (بیان مساله)

تحریم‌ها ابزاری در اختیار شورای امنیت برای بازگرداندن نقض یا تهدید کننده صلح و امنیت بین‌المللی به جامعه بین‌المللی و برگشت صلح و آرامش است. هم‌چنین دولت‌ها نیز به جهت تأمین منافع ملی، همراهی با شورای امنیت، مجازات نقض کننده اصول حقوق بین‌الملل و بشر به تحریم مبادرت می‌ورزند.

ایران قبل از انقلاب اسلامی در کشاکش رقابت قدرت‌های بزرگ در فضای نظم دو قطبی منعطف و در عصر استقلال طلبی در زمان مرحوم دکتر مصدق توسط روسیه و انگلستان با تحریم‌های شدید «حتی محاصره دریایی توسط دولت اخیر مواجه گردید». (کاتوزیان، ۱۳۷۲).

ایران پس از انقلاب به دنبال تسخیر سفارت سابق آمریکا به دلیل وتوی شوروی سابق با تحریم‌های چندجانبه از سوی شورای امنیت مواجه نگردید؛ اما ایالات متحده به صورت یک‌جانبه مبادرت به تحریم‌های مختلفی در حوزه‌های بازرگانی، مالی، بانکی و تسلیحاتی نمود.

تحریم‌های آمریکا موجب افزایش هزینه‌های کشور در بخش‌ها و جنبه‌های مختلف به خصوص نفت، گاز، توسعه و بهسازی آن، صنایع خودرو و هوایی و عمیق شدن فاصله میان ایران با نظام جهانی گردید. به طوری که طبق برآوردهای علمی حداقل ۲/۶ میلیارد دلار سالیانه صرفاً از تحریم‌های آمریکا بر ایران ضرر و زیان وارد می‌شود. (خضری، ۱۳۸۵).

تحریم‌ها بر الزام‌ها و ضرورت‌های اقتصاد پررونق و توسعه اقتصادی از جمله روابط بازرگانی، مالی و پولی شرکت‌های ایرانی با دیگر شرکت‌ها منطبق بر ضوابط جهانی تأثیر منفی زیادی گذاشته است. تحریم‌ها موجب عدم امکان خرید مستقیم، بی‌واسطه و بر اساس قیمت جهانی کالاهای سرمایه‌ای و مواد اولیه مورد نیاز کارخانه‌ها شده و خرید قطعات دست دو میان مرغوب و لغو بسیاری از قراردادها را باعث گردیده است؛ مانند توقف ساخت قایق‌های تندرو توسط شرکت نیروژی "بوتسرفیس" به سفارش ایران پس از خواست دولت نیروژ است.

هم‌چنین تحریم‌ها بر سرمایه‌گذاری خارجی متناسب با ظرفیت‌ها و منابع سرشار ایران و تجمع سرمایه داخلی و هدایت در تولید تأثیر منفی داشته و در فروش نفت و گاز و غیر آن (صادرات غیرنفتی) به شدت اختلال ایجاد کرده است.

معضلاتی هم‌چون عدم دریافت و تمدید وام از منابع خارجی و ورود دانش و کالاها اعم از فنی و سرمایه‌ای، طولانی و مختل شدن فرایند صادرات، بیمه و حمل و نقل، بی‌اعتبار شدن نهادهای مالی و بانکی ایرانی ناشی از تحریم‌ها بوده که در نتیجه موجب شده، تولید به عنوان شاخص اصلی امنیت اقتصادی به شدت تحت تاثیر منفی قرارگیرد.

به دلیل تحریم‌ها در بسیاری از موارد حجم و کیفیت تولید کاهش و یا متوقف شده، طراحی‌ها و مسیر تولید برخلاف هدف‌گذاری اولیه تغییر پیدا کرده‌است و درکل، واردات محصولات مصرفی و قاچاق کالا افزایش یافته‌است. تحریم‌ها موجب عدم ایجاد شغل‌های جدید، از دست رفتن موقعیت‌های کاری قبلی گردیده‌است؛ که در نتیجه تشدید فرار مغزها^۱ و سرمایه‌ها^۲ در جامعه نخبگان را به دنبال داشته و در کل حق کار شهروندان ایرانی به شدت نقض شده‌است.

تحریم‌ها باید به‌عنوان ابزاری برای بازگشت به صلح و ثبات باشد و نباید مقدمه‌ای برای جنگ و نقض حقوق بشر به ویژه حقوق فرانسلی توسعه انسانی گردد.

در حال حاضر حقوق بشر ایرانیان به ویژه حقوق اقتصادی و در مجموع امنیت انسانی آنان به عنوان (دکترین) آموزه توسعه انسانی به دلیل تحریم‌های اعمالی و تشدید آن با توجه به دقت و نظارت اعمال شده از سوی تحریم‌کنندگان به شدت نقض شده‌است و این امر بر نسل‌های آینده تاثیرگذار می‌باشد. به همین جهت این عامل یعنی نظارت به همراه دو متغیر گستردگی و همکاری جهانی در تحریم بر ایران باعث گردیده‌است تحریم‌های اعمالی بر ایران از سایر تحریم‌ها متمایز شود. به عنوان مثال مشخص شده است که طی سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۱ بیست و هشت هزار نقل و انتقال مربوط به کشورهای تحریم شده صورت گرفته که بیست و پنج هزار فقره آن مربوط به ایران می‌باشد.

حتی اگر همین امروز (بهار ۱۳۹۲) تحریم‌ها لغو شود اثرات آن سال‌های متمادی بر توسعه انسانی و اقتصادی ایران پابرجا خواهدماند و به واسطه میزان زیاد خسارت‌ها و از دست رفتن فرصت‌ها، غیر قابل جبران می‌باشد. چنانچه تاثیر مخرب جنگ تحمیلی عراق بر ایران و خسارت ۱۱۰۰ میلیارد دلاری آن (اظهارات حشمت الله فلاحت پیشه عضو کمیسیون امنیت ملی و

سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی) در حوزه اقتصادی جبران‌ناپذیر می‌باشد و مشکلات اجتماعی و فرهنگی آن هنوز درک می‌شود.

هدف پژوهش با توجه به تاثیرگذاری شدید تحریم‌ها بر ایران، کسب شناخت نسبت به تعهدات حقوق بشری طرفین تحریم ایران با امید تحقق حقوق اقتصادی و توسعه در ایران می‌باشد.

این پژوهش با توجه به این که سعی در شناخت تعهدات حقوق بشری طرفین تحریم دارد، کاربردی است.

ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات از روش‌های کمی، استفاده از داده‌های آماری موجود و از روش کیفی، ابزار مطالعه اسناد و متون مدنظر و مصاحبه با اساتید، اندیشمندان و متخصصان فنی می‌باشد. در روش پژوهش با توجه به این که در مقاله حاضر برخی مفاهیم تبیین می‌گردند روش توصیفی مورد استفاده قرار می‌گیرد و در عین حال به منظور کشف روابط پدیده‌ها، فرایندها، موضوعات و بررسی عوامل بروز آن‌ها از روش تحلیلی نیز استفاده شده است.

۱- ماهیت حقوقی تعهدات حقوق بشر

در بحث ماهیت حقوقی تعهدات حقوق بشر صحبت از آن است که چه اشخاصی در حقوق بین‌الملل عمومی متعهد به اجرا و تحقق اصول و ارزش‌های حقوق بشر و توسعه انسانی می‌باشند؟ آیا توسعه انسانی برخاسته از دکترین امنیت انسانی یک تعهد عام و جهانی است که کلیه دولت‌ها باید متعهد به اجرای آن باشند؟ در صورت پاسخ مثبت به آن تعهد دولت‌ها چه حوزه‌ای را در بر می‌گیرد؟ آیا دولت‌ها صرفاً نسبت به شهروندان خود متعهد به اجرا و تحقق حقوق بشر می‌باشند و یا نسبت به کل انسان‌ها صرف‌نظر از تابعیت آن‌ها از دولت‌های مختلف تعهد خواهند داشت؟ اگر دولت‌ها متعهد به تحقق حقوق بشر نسبت به کل انسان‌ها می‌باشند وسعت این حقوق چقدر است؟ آیا نسبت به کل اصول و ارزش‌های حقوق بشر متعهد می‌باشند یا صرفاً نسبت به دسته‌ای از این حقوق متعهد هستند؟ آیا نسبت به آن دسته از حقوقی که جزو قاعده آمره می‌باشند و یا جهان شمول شده‌اند متعهد می‌باشند؟ آیا نسبت به حقوق مطروحه در عهدنامه‌هایی که عرفی شده‌اند به مانند میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی تعهد دارند؟

با نگاهی به حقوق بین‌الملل به خصوص حقوق بشر و دکترین مسئولیت حمایت (دکترین مسوولیت حمایت در واقع پذیرش تعهد و وظیفه حمایت از انسان‌ها در برابر ۴ جرم نسل‌کشی، جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت و پاک‌سازی قومی در سه بعدی پیشگیری، واکنش و بازسازی است. این وظیفه در وهله اول به عهده کشور حاکم و در زمان ناتوانی یا عدم تمایل این کشور بر عهده جامعه بین‌الملل خواهد بود.) (قادری و قربان‌نیا، ۱۳۹۲) و امنیت انسانی و از طرفی مطالعه و بررسی منشور سازمان ملل متحد به نظر می‌رسد کلیه دولت‌ها نسبت به تعهدات عام جهان شمول و قاعده‌آمره و در پرتو دکترین حمایت نسبت به حق حیات کل انسان‌ها و زندگی با وجود امنیت فیزیکی و شخصی آن‌ها تحت حاکمیت هر دولتی، متعهد می‌باشند و باید منافع ملی خود را تنها معیار در متعهد نمودن دولت‌های سرکوب‌گر و شکننده (ضعیف) و کمک و همکاری با آن‌ها قلمداد ننمایند.

چرا که «روند تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل و اقتضای زیست جمعی در جامعه بین‌المللی نشان می‌دهد که در نظم نوین حقوق بین‌الملل، توسل به منافع ملی حیات دولت‌ها تنها در سایه رعایت موازین حقوق بین‌الملل است که وجاهت حقوقی دارد و می‌تواند مبنایی برای مشروعیت عملکرد دولت باشد و باید محدود به رعایت مصالح جمعی باشد که در بستر تحولات و مقتضیات جامعه بین‌الملل و در قالب موازین حقوقی شکل گرفته است.» (سواری، پیری، ۱۳۹۱)

دولت‌ها در پرتو دکترین امنیت انسانی نسبت به حداقل‌هایی که لازمه تحقق توسعه انسانی شهروندان با حاکمیت‌های مختلف است متعهد می‌باشند. به طور ملموس و به‌عنوان مثال باید گفت دولتی که جزو معدود کشورهایی است که از فن‌آوری تولید قطعات هواپیما برخوردار می‌باشد در صورت درخواست از آن نسبت به تامین قطعات غیر نظامی هواپیماها برای کلیه دولت‌ها متعهد می‌باشد زیرا این امر را نباید از حوزه توسعه اقتصادی دولت متقاضی قطعات بلکه تحقق امنیت شخصی انسان‌ها نگریست. اما دولت‌ها در ارتباط با افراد غیر تابع خود نسبت به کلیه حقوق قابل احصا در عهدنامه‌هایی چون میثاقین که حتی عرفی شده‌اند، متعهد نمی‌باشند؛ بلکه تعهد آنان صرفاً نسبت به شهروندان خود می‌باشد به‌مانند تحقق آزادی‌های مثبت، حق کار، تامین اجتماعی، تسهیل ازدواج.

۱- محدودیت‌های حقوقی شورای امنیت سازمان ملل متحد در اعمال تحریم‌ها

در ابتدا لازم است استندهای قانونی تحریم‌های شورای امنیت از مجموعه تحریم‌های چندجانبه بیان گردد. شورای امنیت سازمان ملل متحد بر طبق مفاد منشور اختیارات گسترده و قابل تفسیری دارد که بر طبق آن ناشی از برابری قدرت سیاسی اعضای شورای امنیت و وضعیت نظام بین‌الملل در راستای وظیفه اصلی خود که حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است اقدام می‌کند هر چند که تصمیم‌های آن بر خلاف عدالت تصور گردد.

در این راستا، فصل پنجم منشور به شورای امنیت پرداخته و مسولیت اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و اقدام در موارد تهدید علیه صلح، نقض صلح و اعمال تجاوز را به آن واگذار نموده است. «فصل هفتم منشور اساس کار واقعی شورا به شمار می‌آید، زیرا شورا می‌تواند با توسل به مقررات این فصل ابتدا بررسی نماید که آیا ۱- صلح مورد تهدید قرار گرفته ۲- صلح نقض شده ۳- تجاوزی صورت گرفته؟ و پس از آن که وقوع چنین مواردی برای آن محرز گردید اختیار دارد توصیه‌نامه‌ای ساده (ماده ۳۶ منشور) صادر کند یا برعکس آن، اقداماتی قهری مقرر نماید و یا این که اصولاً به اقدامی بنیادین بسنده کند و دستوری موقت (ماده ۴۰) صادر نماید، صدور توصیه‌نامه، حکم به اقدام‌های قهری و صدور دستور موقت همه به لحاظ آن است که شورای امنیت رکن صالح سیاسی برای تشخیص و حل اختلاف بین‌المللی و در نتیجه حفظ صلح و آرامش جهانی است». (فلسفی، ۱۳۶۹).

مطابق ماده ۳۹ منشور، شورای امنیت هرگونه تهدید علیه صلح، نقض صلح و یا عمل تجاوز را احراز و توصیه‌هایی خواهد نمود یا تصمیم خواهد گرفت که برای حفظ صلح یا بازگشت صلح و امنیت بین‌المللی به چه اقدام‌هایی بر طبق ماده‌های ۴۱ و ۴۲ مبادرت شود.

استفاده از واژه "هرگونه" در ماده ۳۹ منشور نهاد مزبور را از اختیارات گسترده‌ای فراتر از مفاهیم و برداشت‌های معطوف به جنگ و صلح در حقوق بین‌المللی سنتی برخوردار ساخته است. موضوعی که در پرتو عبارت "به مخاطره افتادن صلح" حساسیت بیشتری را برمی‌انگیزد تا آن حد که گسترش صلاحیت شورای امنیت به گستره امور داخلی دولت‌ها نیز قابل تسری است. هرچند که در بسیاری موارد نیز ممکن است اقداماتی را برخلاف نظر عمومی، خطری علیه صلح و امنیت تلقی نکند. (فلسفی، ۱۳۶۹) در این راستا شورای امنیت، کودتای انجام‌پذیرفته در هاییتی

برضد حکومت قانونی "ژان برتراند آریستید"^۱ در ۱۶ دسامبر ۱۹۹۰ و سیرالیون علیه حکومت قانونی را تهدید علیه صلح تلقی نمود چه بسا که از نظر عده‌ای این موارد بر طبق بند ۷ ماده ۲ جزو صلاحیت داخلی هر دولتی است که باید توسط مردم آن کشور حل و فصل شود.

ماده ۱۰۳ منشور نیز تکیه‌گاه حقوقی تصمیم‌ها و قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌باشد. این ماده بیان می‌دارد در صورت تعارض بین تعهدات اعضای ملل متحد به موجب این منشور و تعهدات آن‌ها بر طبق هر موافقت‌نامه بین‌المللی دیگر، تعهدات آن‌ها به موجب این منشور مقدم خواهد بود. «عده‌ای معتقدند هنگامی که شورای امنیت به تحریم همه جانبه اقتصادی کشوری که صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره انداخته است تصمیم می‌گیرد تمامی کشورها به موجب ماده ۱۰۳ منشور باید این تصمیم را بدون چون و چرا اجرا کنند حتی اگر مخالف قواعد پذیرفته شده و عرفی حقوق بین‌الملل باشد. اما باید گفت که منظور از ماده ۱۰۳ منشور برتری حقوق ملل متحد بر حقوق قراردادی است و هیچ ارتباطی با آن دسته از تعهدات دولت‌ها بر طبق قواعد عام‌الشمول حقوق بین‌الملل عام و قواعد عرفی ندارد».

(عسگرخانی، ۱۳۷۵)

اگر چه منظور از برتری منشور فقط بر تعهدات دولت‌ها و نه تعهدات ناشی از عرف بین‌الملل باشد اما به نظر می‌رسد عرف بین‌المللی حکمی بر محکومیت استفاده از تحریم‌ها صادر نمی‌کند. اما از طرفی مفاد میثاقین نیز به نظر بسیاری از اندیشمندان، عرفی شده است و تحریم‌ها نباید نقض‌کننده آن باشد.

به همین جهت شورای امنیت به دلیل برتری تعهدات دولت‌های عضو سازمان ملل متحد به موجب منشور بر تعهدات آن‌ها ناشی از معاهدات بین‌المللی، قطعنامه ۷۴۸ در سال ۱۹۹۲ را صادر نمود که در آن بر خلاف تعهدات دولت لیبی آن دولت را ملزم به استرداد دو تبعه مظنون خود به ایالات متحده و انگلیس نمود.

در این راستا شورای امنیت تصمیم گرفت ایران غنی‌سازی را که طبق معاهده منع گسترش سلاح‌های اتمی حق آن می‌باشد را به حالت تعلیق درآورد و پروتکل الحاقی را فوری و بدون قید و شرط تصویب نماید. در حالی که چنین تکلیفی با خصیصه اختیاری بودن این پروتکل و آزادی دولت‌های عضو آژانس در پیوستن به آن مغایر است.

منشور در امتداد ماده ۳۹ که احراز هرگونه تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی توسط شورای امنیت می‌باشد طبق ماده ۴۰ به شورا این اختیار را داده که از طرف‌های درگیر بخواهد به اقدامات موقتی که ضروری یا مطلوب تشخیص می‌دهد متعهد گردند. سپس شورا طبق ماده ۴۱ می‌تواند تصمیم بگیرد که برای اجرای تصمیم‌های خویش به چه اقداماتی شامل متوقف‌ساختن تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی و ارتباطات راه‌آهن، دریایی، هوایی و قطع روابط سیاسی که متضمن به کارگیری نیروهای مسلح نباشد اقدام ورزد. این ماده از کلمه تحریم استفاده‌نموده اما در اصل آن را تعریف‌نموده و اساس قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت سازمان ملل متحد شده‌است.

«درحقیقت ماده ۴۱ جنبه حصری ندارد، بلکه تمثیلی است و هرگونه اقدام غیر نظامی دیگری اعم از آن که در زمره تحریم‌های اقتصادی یا سایر تحریم‌ها قرارگیرد و یا آن که خارج از مقوله تحریم باشد توسط شورای امنیت قابل اعمال می‌باشد. در این قبیل اقدامات ممکن است حتی قطع روابط فرهنگی و ورزشی را نیز شامل شود. به علاوه پیشرفت‌های حاصله در زمینه فن‌آوری‌های علمی و رایانه‌ای امکان اعمال اقدامات غیر نظامی بیشتری را برای شورای امنیت فراهم‌نموده‌است.» (Manfred Kulesa and Dorothee Strack, 2008) واژه تحریم اقتصادی در ماده ۴۱ نیامده‌است زیرا که شورای امنیت باید اختیار داشته‌باشد درخصوص نوع اقدام‌های سیاسی، اقتصادی یا هر اقدام دیگری که متضمن استفاده از نیروهای مسلح نباشد تصمیم‌گیری نماید. استدلال مذکور در سند پیشنهاد‌های نهایی "دامبارتن اوکس" آمده بود.

منشور جهت اطمینان از ناتمام نماندن بررسی و اقدام شورای امنیت برای حفظ صلح، امنیت و بازگرداندن آن، در ماده ۴۲ به شورا این قدرت را می‌دهد که قبل از اثبات کافی نبودن اقدامات صورت‌گرفته در ماده ۴۱ و فقط بر تشخیص این امر با نیروهای هوایی، دریایی یا زمینی برای بازگرداندن صلح به عملیات نظامی توسل جوید.

در راستای اعتبار بخشی به تصمیم‌ها و قطعنامه‌های شورای امنیت، طبق ماده ۲۴ منشور، کلیه دولت‌های عضو ملل متحد مسئولیت اصلی (کلمه "primary" به معنی ابتدایی، اولیه و اصلی می‌باشد اما در اینجا معنی آن اصلی و نه اولیه می‌باشد.) حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به شورای امنیت واگذار و موافقت‌نمودند که آن شورا در اجرای وظایفی که به موجب این

مسئولیت بر عهده دارد از طرف آن‌ها اقدام نماید. در حقیقت شورای امنیت از سوی اعضای سازمان ملل متحد از وکالت برخوردار می‌باشد و بر اساس ماده ۲۵ موافقت کرده‌اند که تصمیم‌های شورای امنیت را قبول و اجرا نمایند.^۱ عده‌ای معتقدند که تصمیم‌های شورا نمی‌تواند عاری از هرگونه محدودیتی باشد و باید ماده ۲۵ منشور چنین خوانده شود: اعضای ملل متحد موافقت می‌نمایند که تصمیم‌های شورای امنیت را در صورت انطباق با منشور قبول و اجرا نمایند. (شایگان، ۱۳۷۲)

به همین ترتیب طبق ماده ۴۳ منشور کلیه اعضای ملل متحد متعهد می‌باشند که به منظور شرکت در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، نیروهای مسلح، تسهیلات لازم از جمله حق عبور بنا بر درخواست شورای امنیت و بر طبق موافقت‌نامه یا موافقت‌نامه‌های خاص در اختیار شورای امنیت قرار دهند. هم‌چنین به عقیده بعضی از صاحب‌نظران بند ۱ ماده ۱ منشور به نحوی تنظیم شده‌است که اختیار شورای امنیت را در اجرای فصل هفتم منشور کاملاً باز گذاشته‌است. آنان معتقدند شورا در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی یا از طریق اتخاذ اقدام‌های جمعی موثر و یا حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها وقتی بر اساس فصل هفتم منشور اقدام نماید ملزم به رعایت حقوق بشر نمی‌باشد.

۱-۱-۱ اصل انسانی بودن و رعایت حقوق بشر

اصل انسانی بودن تحریم‌ها به مفهوم رعایت جنبه‌های انسانی در اعمال این‌گونه تحریم‌ها یکی از اصول مهم برگرفته از حقوق بین‌الملل عام می‌باشد. «اصل انسانی بودن دایره گسترده‌تری دارد و بسیاری از حقوق انسانی که در زمره حقوق بشر قرار ندارند نیز در برمی‌گیرد به‌مانند حق برخورداری از امکانات مناسب ورزشی، تفریحی و حق مسافرت آسان». (فرخ سیری، ۱۳۸۷)

از آنجایی که تحریم‌ها در سال‌های اخیر، با در نظر گرفتن تحریم علیه یوگسلاوی سابق بر ضد کشورهای در حال توسعه اعمال گردیده، موضوع اثرات منفی تحریم‌ها بر وضعیت اقتصادی مردم و کشورهای مورد تحریم به یکی از مباحث مهم حقوق بین‌الملل تبدیل شده‌است. چنان‌چه در قضیه تحریم‌های شورای امنیت بر ضد عراق، گستردگی و شدت این اثرات کاملاً مشهود بود.

«نتیجه اعمال اصل انسانی بودن به عنوان یک اصل کلی حقوقی بر اقدامات غیر نظامی شورای امنیت این است که چنین اقداماتی نباید به آن درجه از شدت باشند که انسان‌ها را در معرض شرایط غیرانسانی حیات قرارداده و با خطر بیماری و مرگ مواجه سازد». Davidson, (2005).

توجه شورای امنیت در قطعنامه‌های تحریمی نسبت به رعایت حقوق بشر تحت عنوان قیود استثنایی "شروط معافیت‌های انسان دوستانه"^۱ مرسوم‌گردیده‌است.

برخی از حقوقدانان معتقدند که شورای امنیت باید به هنگام اجرای وظایف خود به موجب ماده ۴۱ منشور از جمله در اعمال تحریم‌های اقتصادی کلیه اصول و ارزش‌های حقوق بشر را رعایت نمایند در مقابل، دسته‌ای دیگر معتقدند که شورای امنیت فقط ملزم به رعایت طیفی از حقوق بشر می‌باشد که به موجب میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به عنوان حقوق غیرقابل تعلیق و در شمار قواعد آمره شناخته‌شده و شامل حق حیات، ممنوعیت شکنجه و برده‌داری می‌گردد.

در تحریم‌های شورای امنیت باید میان حقوق نقض‌شده و حقوقی که شورا در راستای مسئولیت خود درصدد تضمین رعایت آن‌ها می‌باشد تناسب وجود داشته‌باشد. تناسب به این معنی است که اهمیت حقوقی که مورد حمایت قرار می‌گیرد بیش از حقوقی باشد که از رهگذر اعمال تحریم‌ها به طور موقت نادیده گرفته می‌شود. به عنوان مثال شورای امنیت می‌تواند به منظور پایان دادن به کشتار برنامه‌ریزی شده و نقض فاحش و گسترده حق حیات، تحریم‌های مالی و بازرگانی را که متضمن نقض حق مالکیت و آزادی بازرگانی می‌باشد، مقرر نماید. (فرخ سیری، ۱۳۸۷).

هیات عالی رتبه دبیرکل سازمان ملل در گزارش خود در مورد اقدامات قهری شورای امنیت که در دسامبر ۲۰۰۴ به مجمع عمومی ارایه‌گردید، میان قانونی بودن^۲ این اقدامات و مشروعیت^۳ آن‌ها تفاوت قایل شده‌است. قانونی بودن اقدام شورای امنیت به انطباق آن بر مفاد منشور بستگی

1. Humanitarian Exemptions Clauses
2. Legality
3. Legitimacy

دارد اما لازمه مشروعیت آن اقدام این است که بر دلایل مستند، قوی و صحیح استوار باشد و این دلایل به همان اندازه که قانونی هستند اخلاقی نیز باشند.

۲-۱-۱ ضرورت

اصل ضرورت در هر موردی که به یک مرجع عمومی اختیارات تشخیص اعطا شده باشد، کاربرد دارد. چنین مرجعی باید این امر را احراز نماید آیا اقداماتی که اعمال می‌کند به منظور نیل به اهداف اساسی که به خاطر آن‌ها ایجاد گردیده ضروری می‌باشد. «اصل ضرورت در حوزه‌های متعددی کاربرد دارد که از آن جمله می‌توان به حقوق بین‌الملل بشر، روابط بین‌الملل و حقوق مخاصمات مسلحانه اشاره نمود. از آنجایی که سازمان ملل متحد به اصول کلی حقوق بین‌الملل ملتزم می‌باشد شورای امنیت ملزم به رعایت اصل ضرورت (به عنوان یکی از اصول حقوق بین‌الملل عام) خواهد بود»^۱ استناد به اصل ضرورت در روابط بین‌الملل در موارد مختلفی ممکن است انجام پذیرد. به عنوان مثال کشوری که با یک خطر شدید و نزدیک به اتفاق مواجه می‌گردد بر طبق اصل ضرورت ناگزیر می‌شود به دلیل وجود تنها شیوه حفاظت از منافع اساسی خود از تعهدات بین‌المللی تخطی نماید.

دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه "طرح گابچیکو- ناگیماروس"^۲ تصریح می‌نماید حالت ضرورت مبنایی شناخته شده در حقوق بین‌الملل عرفی است که به موجب آن وصف متخلفانه عملی که منطبق با یک تعهد بین‌المللی نمی‌باشد زایل می‌گردد.

برخی از حقوقدانان ضرورت را یکی از جنبه‌های تناسب محسوب نموده‌اند. به نظر آنان در بحث تحریم، تناسب در صورتی تحقق خواهد یافت که تحریم اقتصادی، ضروری باشد و در قبال رفتار متخلفانه طرف مقابل واکنشی مناسب به‌شمار آید. (Abi-Saab, 2001).

هم‌چنین اصل حسن نیت ایجاب می‌نماید مرجع تحریم‌کننده در اعمال تحریم به اقدامی فراتر از حد لازم مبادرت نرزد. «شورای امنیت هنگام ایفای وظایف خود از جمله زمانی که لازم می‌بیند در برابر تهدید یا نقض صلح واکنش نشان دهد باید با حسن نیت عمل نماید».

۳-۱-۱ تناسب

میزان هر محدودیتی باید به‌طور دقیق با ضرورت، تناسب داشته‌باشد. اصل تناسب صرفاً در ارتباط با اقدام‌های مشروع و ضروری قابل استناد می‌باشد. اقدامات متقابل و تصمیم‌های شورای امنیت در چارچوب فصل هفتم منشور ملل متحد از جمله اقدامات مشروعی می‌باشند که استناد به معیار تناسب در آن‌ها امکان‌پذیر است.

اصل تناسب مستلزم آن است که تحریم‌ها متضمن واکنشی در قبال رفتار کشور مورد تحریم باشد؛ به این منظور لازم است منافع حاصله از اعمال تحریم بیش از زیان‌های ناشی از آن گردد. تناسب واجد دو مفهوم درونی و بیرونی است: تناسب در مفهوم درونی به این معنی است که تحریم با هدفی که تحریم‌کننده در ذهن دارد متناسب باشد. به بیان دیگر تحریم تا جایی متناسب تلقی می‌شود که هدف مورد نظر را محقق‌سازد. تناسب بیرونی به این معنی است که تحریم با توجه به اهمیت منفعت حقوقی مورد حمایت، شدت نقض و آثار ناشی از نقض قاعده، متناسب محسوب‌گردد. (2001, Enzo)

تناسب هرگز به معنی تساوی نیست. زیرا در این صورت به عنوان مثال می‌توان نقض شدید حقوق بشر از سوی شورای امنیت به منظور مقابله با نقض شدید حقوق بشر در یک کشور را مجاز تلقی نمود، که امری غیرمنطقی است.

نکته دیگر در رابطه با اصل تناسب این است که طولانی شدن تحریم اقتصادی در شرایطی ممکن است معیار تناسب را دستخوش تغییر نماید ممکن است با بوجود آمدن تغییراتی در کشور مورد تحریم، اقدامی که در آغاز معمولی و متناسب بوده به یک اقدام ویرانگر و نامتناسب تبدیل گردد.

هم‌چنین بر طبق ماده ۵۰ منشور کمیته ششم مجمع عمومی سازمان ملل متحد (کمیته حقوقی) در ۲۶ سپتامبر ۱۹۹۶ موضوع ارزیابی تاثیر تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت بر کشورهای ثالث و راه‌کارهای کمک به کشورهای که تحت تاثیر اجرای این تحریم‌ها قرار می‌گیرند را مورد بررسی قرار داد. (2001, Enzo)

تحریم‌های اعمالی علیه دولت‌ها نباید موجب نقض قواعد آمره شوند. با توجه به آن که اصول و ارزش‌های حقوق بشر جایگاه ژرفی در قواعد آمره دارد تناسب تحریم‌ها و موارد آن باید با

حقوق بشر و قواعد آمره در نظر گرفته شود. زیرا که هدف سازمان ملل همکاری مسالمت‌آمیز و توسعه همگانی و در نهایت دوستی میان ملل می‌باشد. منشور سازمان ملل با درک خصلت یکپارچگی و به‌هم‌پیوستگی مساله توسعه در مقدمه و ماده ۵۶ با همبستگی بین‌المللی پیوند آشکاری دارد. منشور مشکل عدم توسعه را یک مساله بین‌المللی تلقی کرده و جامعه جهانی را مسئول در قبال این مساله معرفی می‌کند.

۲-۱ محدودیت‌های حقوقی سایر بازیگران در اعمال تحریم‌ها

منظور از سایر بازیگران، کلیه دولت‌ها، سازمان و نهادهای بین‌المللی غیر از شورای امنیت می‌باشد. ارتباط شورای امنیت با بحث تحریم‌های یک‌جانبه مساله مهمی است که باید مورد بررسی قرار گیرد. آیا با وجود شورای مذکور و اختیارات گسترده قانونی و سیاسی آن و به عنوان تنها نهاد دارای صلاحیت در تشخیص تهدید و نقض صلح در سراسر جهان، ضرورتی برای اعمال تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه از سوی دیگر دولت‌ها و تحریم‌های چندجانبه بین‌المللی وجود دارد؟ با توجه به آن‌که شورای امنیت در بسیاری از موارد حداقل در خصوص ایران به تصویب چندین قطعنامه و اعمال تحریم اقدام نموده است.

عده‌ای با نگاه به حقوق نرم و مخالفت با هرگونه اعمال تحریم دولت‌ها علیه دیگر بازیگران در سطح نظام بین‌الملل معتقدند که در صورت پذیرش مشروعیت شورای امنیت در تصویب تحریم‌ها، دولت‌ها و سازمان‌ها نباید به صورت مستقل به اعمال تحریم مبادرت ورزند. اما عده‌ای دیگر تحریم‌های یک‌جانبه را به عنوان ابزاری جایگزین جنگ و به عنوان یک روش در سیاست خارجی حق دولت‌ها می‌دانند.

بند ۴ ماده ۲ منشور در حوزه غیرقانونی و مشروع نبودن تحریم‌های یک‌جانبه بدون مجوز شورای امنیت مورد استناد قرار می‌گیرد. «منشور نمی‌گوید که تحریم‌ها یا سایر اعمال فشارهای اقتصادی بین‌المللی فی‌نفسه غیر قانونی هستند. بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد فقط به ممنوعیت استفاده از نیروی نظامی اشاره نموده و ممنوعیت بهره‌برداری از نیروی اقتصادی را مسکوت گذاشته است. درحالی‌که عقیده بر این است که پس از ذکر ممنوعیت استفاده از نیروی نظامی، باید تهدید یا استفاده از اقدامات اقتصادی نیز اضافه می‌گردید». (نوروزی خیابانی، ۱۳۷۲).

اما برخلاف نظر مذکور، بند ۴ ماده ۲ منشور پس از ذکر ممنوعیت تهدید به زور یا استفاده از آن برضد تمامیت سرزمینی دولت‌ها بیان کرده است؛ یا از هر روش دیگر که با مقاصد ملل متحد مابینت داشته باشد. در این‌جا با توجه به کلیت موضوع، منظور از هر روش دیگر می‌تواند ممنوعیت تحریم و فشار اقتصادی باشد که با قصد ایجاد سازمان ملل متحد مبنی بر همکاری میان دولت‌ها جهت تامین منافع شهروندان در تضاد است.

با توجه به میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و عضویت بسیاری از دولت‌ها، به نظر بسیاری از اندیشمندان حقوق بین‌الملل، مفاد این میثاق در زمره حقوق بین‌الملل عرفی وارد شده‌است و در نتیجه کلیه دولت‌ها باید پایبند به آن باشند. از آنجایی که در میثاق مذکور تعهد به اجرای اصول و ارزش‌های حقوق بشر صرفاً تعهد دولت‌ها در برابر شهروندان خود نمی‌باشد بلکه دولت‌ها متعهد به تحقق حقوق بشر کلیه انسان‌ها می‌باشند یا حداقل متعهد به عدم اقداماتی که نتیجه آن موجب بروز مشکل در تحقق اصول و ارزش‌های حقوق بشر شهروندان دیگر دولت‌ها می‌باشند بنابراین همکاری میان دولت‌ها و یا عدم بروز خصومت و تحریم به‌خصوص تحریم‌های همه‌جانبه و غیرهوشمند تعهدی بین‌المللی می‌باشد.

در این زمینه باید اشاره نمود هرچند که دولت ایالات متحده عضو میثاق حقوق اقتصادی - اجتماعی نیست؛ اما به‌دلیل توصیه منشور در ماده ۵۵ به همکاری میان دولت‌ها و مفاد میثاق مذکور با توجه به نقش پیشرو دولت آمریکا در حوزه سیاسی و اقتصادی باید علاوه بر آن که از تحریم‌های همه‌جانبه و نقض‌کننده حقوق بشر خودداری نماید؛ زمینه‌های همکاری جهت توسعه دولت‌ها و همکاری‌های جهانی را فراهم نماید.

امریکا تحریم اقتصادی ایران را به عنوان اقدام متقابل می‌داند و معتقد است از آنجاکه تحریم از اشکال توسل به زور نیست مشمول قواعد منع توسل به زور نمی‌شود بلکه تحریم اقتصادی جنگی است بدون توسل به تسلیحات نظامی و با توجه به آن که این اقدام توسط آمریکا در پاسخ به قانون شکنی ایران صورت گرفته امری جایز و قانونی است و از آنجایی که اقدام‌های غیرقانونی ایران خاتمه نیافته، تحریم‌های آمریکا نیز پایان نمی‌پذیرد. «اقدامات متقابل، متضمن رفتاری است که با تخطی از یک تعهد معاهداتی موجود صورت می‌گیرد اما به‌عنوان واکنشی ضروری و

متناسب در برابر فعل متخلفانه بین‌المللی دولتی که این اقدامات علیه او انجام می‌شود قابل توجیه است». (ابراهیم گل، ۱۳۸۸).

اقدامات متقابل بر عکس اقدامات تلافی‌جویانه^۱ که دربرگیرنده اقدامات قهری در واکنش به یک نقض مسلحانه انجام می‌گیرد آن بخشی از موضوع اقدامات تلافی‌جویانه است که ارتباطی با مخاصمات مسلحانه ندارد.

در حقیقت اقدامات متقابل تنها توسط دولت زیان‌دیده و به منظور وادار کردن دولت مسئول به رعایت تعهداتش مبنی بر توقف عمل متخلفانه بین‌المللی در صورت استمرار آن و جبران خسارت دولت زیان‌دیده انجام می‌شود. هدف از اقدامات متقابل مجازات رفتار متخلفانه نیست بلکه ابزاری است برای نیل به رعایت تعهدات دولت مسئول.

ماده ۴۹ طرح مسئولیت بین‌المللی که در واقع حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها می‌باشد بیان می‌دارد: دولت زیان‌دیده تنها به منظور واداشتن دولت مسئول فعل متخلفانه به پیروی از تعهداتش می‌تواند به اقدامات متقابل مبادرت ورزد. اقدامات متقابل محدود به عدم اجرای موقت تعهدات بین‌المللی دولتی است که در مقابل دولت مسئول به چنین اقداماتی صورت می‌ورزد. «طبق ماده ۴۹ اقدام متقابل باید با هدف بازگرداندن کشور متخلف به تعهدات بین‌المللی آن باشد، نباید به نحوی شود که امکان بازگشتن به تعهدات بین‌المللی را ناممکن سازد».

(yaserziaee.blogfa.com)

طبق ماده ۵۰ اقدام متقابل نباید متضمن زور یا تهدید به آن، ناقض قواعد بنیادین حقوق بشر، قواعد آمره و اصل عدم تعرض به کارکنان دیپلماتیک و کنسولی باشد. طبق ماده ۵۱ اقدام متقابل باید با زیان وارده متناسب باشد. ماده ۵۲ نیز شروطی را برای توسل به اقدام متقابل بیان کرده است؛ از جمله اعلام قبلی به دولت متخلف برای اجرای تعهدات خود و اطلاع کشور مذکور از اقدام متقابل و پیشنهاد مذاکره به آن دولت.

یکی از علل و موجبات معافیت از مسئولیت بین‌المللی یا رافع وصف متخلفانه بودن عمل ناقض تعهد بین‌المللی، اقداماتی است که یک کشور در مقابل اقدامات غیرقانونی کشور دیگر اتخاذ می‌کند و به این دلیل توجیه می‌شود که واکنشی به اقدام غیرقانونی کشور هدف است. «این مبنا در مورد تحریم‌های اعمالی بر ایران قابل اعمال نیست چراکه تاکنون هیچ مرجع

بین‌المللی به‌صورت عینی اثبات نکرده که جمهوری اسلامی ایران در پرداختن به غنی‌سازی اورانیوم تعهدات بین‌المللی خود را نقض کرده‌است». (حبیبی، ۱۳۹۱).

البته حتی در صورت پذیرش ادعای اقدام متقابل از سوی ایالات متحده در چرایی تحریم ایران باید بیان کرد که فقط در مورد تحریم‌های پیش از سال ۱۹۸۱ (امضای بیانیه الجزایر) این امر قابل طرح است و کلیه فرمان‌های اجرایی و قوانین کنگره آمریکا که مستلزم تحریم‌هایی پس از تاریخ توافق‌نامه الجزایر بوده است به‌موجب تعهد آمریکا مندرج در بند ۱۰ موافقت‌نامه ۲۰ ژانویه ۱۹۸۱ الجزایر به لغو تحریم‌های ایران، قابلیت استناد به عمل متقابل (تلافی) را از بین می‌برد.

هم‌چنین آمریکا در مواردی چون تحریم‌های داماتو (The Iran-Libya Sanctions Act (ILSA), 1996) این تحریم را در شمول تحریم‌های ثانویه ندانسته بلکه آن را شرط ضمن عقد تصور نموده است. این قانون از تمام تابعان ایالات متحده آمریکا می‌خواهد تا ضمن معاملات خود با شرکت‌های خارجی این شرط را ضمن عقد به‌طور صریح یا ضمنی بگنجانند که شرکت خارجی از سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران خودداری نماید. در واقع حامیان این ایده، مجازات‌های احتمالی اعمالی توسط آمریکا بر شرکت‌های دیگر را ناشی از آن می‌دانند که شرکت‌های خارجی قبلاً این تعهد را به‌طور شرط ضمن عقد با شرکت‌های آمریکایی پذیرفته‌اند.

بنابراین آمریکا اصرار می‌ورزد تا شرکت‌ها و اتباع آمریکایی در بازرگانی خود این شرط ضمن عقد را که از قانون داماتو منبعت می‌شود را در نظر داشته‌باشند. هم‌چنین به طرف مقابل یادآوری نمایند که در صورت عدم رعایت قانون داماتو از همکاری‌های بازرگانی با شرکت آمریکایی طرف قرارداد محروم خواهند شد.

درحقیقت هر یک از دولت‌ها بر اساس اصل آزادی اقتصادی (حاکمیت و اعمال صلاحیت‌های ملی) با رعایت کلیه اصول و ارزش‌های حقوق بشر می‌توانند آزادانه روابط اقتصادی خود را با سایر دولت‌ها تنظیم و درخصوص قطع یا ادامه این روابط تصمیم‌گیری نمایند. البته نسبت به آن مواد دارویی یا خوراکی که فقط دولت تحریم‌گر تولیدکننده آن می‌باشد نباید به قطع صادرات مبادرت شود.

علاوه بر شرط اشاره شده، اختیار دولت‌ها در این زمینه، باز بدون قید و محدودیت نیست و آن زمانی است که دولتی به موجب یک معاهده دو یا چندجانبه حق اعمال تحریم را به صورت جزیی یا کلی از خود سلب‌نماید. البته در مورد اخیر نیز چنان‌چه یکی از طرف‌های معاهده مرتکب نقض حقوق بین‌الملل از جمله قواعد حقوق بشر گردد اعمال تحریم اقتصادی به عنوان یک اقدام متقابل از سوی دولت‌های دیگر مجاز خواهد بود. باید این امر مهم را در نظر گرفت که دولت‌ها نمی‌توانند با استناد به اصل آزادی اقتصادی از تحریم اقتصادی (و تشویق دیگر بازیگران به این اقدام) به عنوان ابزاری برای اعمال فشارهای سیاسی و اقتصادی بر دولت‌های دیگر و یا به منظور اعمال سلطه یا کسب امتیازات نامشروع از سایر دولت‌ها استفاده نمایند. به علاوه اعمال تحریم‌های اقتصادی ثانویه بر ضد دولت‌هایی که با دولت تحریم‌شونده روابط اقتصادی برقرار می‌نمایند با مخالفت اغلب دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مواجه گردیده‌است.

حال که تحریم اقتصادی به عنوان یک ابزار نزد دولت‌ها می‌باشد باید در راستای تحقق حقوق بشر و مجازات سران دولت‌های نقض‌کننده حقوق بشر بکارگیرد نه آن که خود مانعی برای تحقق حقوق بشر یا بهانه‌ای برای سرکوب آن شود. مداخله کشورها و سازمان‌های بین‌المللی به منظور تضمین رعایت حقوق بین‌الملل بشر با استفاده از تحریم‌های اقتصادی، امری اجتناب‌ناپذیر و در عین حال اهرمی موثر برای اجرای قواعد حقوق بشری می‌باشد.

هم‌چنین بعضی از سازمان‌های بین‌المللی دولتی در قالب تجمعی از دولت‌ها به تحریم‌ها اقدام ورزیدند. به نظر می‌رسد بهتر بود منشور، سازمان ملل متحد را به عنوان تنها نهادی که می‌توانست در خصوص تحریم تصمیم‌گیری نماید به رسمیت می‌شناخت. با توجه به اصل ۳۹ آن که احراز و اقدام درباره هر گونه تهدید یا نقض صلح در کلیه نقاط جهان را به شورای امنیت واگذار و نقش اصلی در این خصوص با آن می‌باشد. بنابراین اعمال تحریم توسط سازمان‌های منطقه‌ای را محکوم می‌نمود. البته طبق بند ۱ ماده ۵۳ منشور در صورتی که شورای امنیت مقتضی بداند از سازمان‌ها و موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای برای اقدامات اجرایی می‌تواند استفاده نماید.

«بر خلاف میثاق جامعه ملل، منشور سازمان ملل متحد مسئولیت توسل به مجازات‌های اقتصادی و نظامی را به شورای امنیت محول می‌کند، اقدامات دولت‌ها موقوف به اتخاذ تصمیم توسط این رکن می‌باشد و هیچ‌گونه عملیات اجرایی و اقدامات قهرآمیز حتی به موجب

قراردادهای منطقه‌ای بدون اجازه شورای امنیت انجام نخواهد گرفت (ماده ۵۳ منشور)». (ممتاز، ۱۳۶۰).

در مجموع باید گفت تحریم‌ها از سوی سازمان‌های بین‌المللی به‌خصوص شورای امنیت و از طرف دولت‌ها نباید به منافع عینی شهروندان یک دولت لطمه وارد سازد و حق ارتقای مستمر سطح زندگی آنان را نقض کند و حیات سعادت‌مند و شرافتمدانه هر شخص بر طبق موازین و اصول حقوق بشر را خدشه‌دار نماید.

۳-۱ تعهدات حقوق بشری دولت ایران در ارتباط با دکترین امنیت انسانی

پس از بیان تعهدات سازمان‌های بین‌المللی به‌خصوص شورای امنیت و دولت‌ها در حوزه حقوق بشر مرتبط با تحریم‌ها به تعهدات حقوق بشری دولت ج.ا.ایران در ارتباط با حقوق اقتصادی و توسعه که از مولفه‌های حکمرانی مطلوب است بیان می‌گردد. در عناوین زیر که به قانون اساسی، یک سند بالادستی و چند قانون موضوعه اشاره شده، موارد مرتبط با حقوق اقتصادی، توسعه و تعهدات دولت آورده شده است.

۱-۳-۱-۱ قانون اساسی ج.ا.ایران (۱۳۵۸)

قانون اساسی به‌عنوان قانون برتر هر نظام سیاسی که در آن چگونگی اعمال حاکمیت، کسب رضایت مردم و تفکیک قوا بیان شده در نظام حقوقی همه کشورها از جایگاه بالایی برخوردار است.

قانون اساسی ج.ا.ایران اصولی را از ۱۷۷ اصل خود به لزوم تحقق حقوق اقتصادی شهروندان ایرانی اختصاص داده و برای دولت اسلامی تعهداتی را برشمرده است.

بند ۱۲ اصل سوم و بند ۱ اصل چهارم و سوم، تحقق امنیت اقتصادی (رفع فقر و تامین حقوقی چون کار، خوراک، مسکن و پوشاک)؛ اصل دهم، آسان نمودن شرایط ازدواج و تشکیل خانواده؛ اصل بیست و هشتم، ایجاد کار از سوی دولت و شرایط مساوی برای همه و بند ۲ اصل چهارم و سوم، بر حق کار؛ اصل بیست و نهم، برقراری تامین اجتماعی و امنیت بهداشتی و درمان؛ اصل سی، بر حق آموزش؛ اصل سی و یک، بر حق برخورداری از مسکن؛ بند ۷ اصل ۴۳ به

استفاده از دانش و فن‌آوری و افراد متخصص داخلی اختصاص یافته است. بند ۹ اصل ۴۳ بر تولید در حوزه کشاورزی، صنعتی و دامی تاکید می‌کند. کاهش شدید تولید از نظر کمی و کیفی و کم بودن تولیدات برخوردار از دانش نوین برخلاف اصل مذکور می‌باشد.

اجرای تعهدات مذکور از شرایط لازم برای حکمرانی مطلوب است. باید اصول اشاره شده در سیاست داخلی و خارجی مورد هدف واقع می‌گردید تا حقوق اقتصادی شهروندان ایرانی تحقق می‌یافت. استمرار اعمال تحریم‌ها بیش از سی سال و تشدید آن موجب حاشیه‌ای شدن اصول مهم قانون اساسی چون رفع فقر، ایجاد رفاه و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه تغذیه، مسکن، کار و بهداشت شده است. اصولی که به دلیل اهمیت آن در کنار مواردی چون تولید، استفاده از دانش فنی در قانون اساسی جهت تحقق رفاه به‌عنوان یک تعهد و وظیفه دولت مشخص شده است. این امر درحالی است که سایر سیاست‌ها و موارد مدنظر دولت، در قانون اساسی مورد نظر قرارنگرفته است.

۲-۳-۱ سند چشم‌انداز ج.ا. ایران در ۱۴۰۴ خورشیدی (۱۳۸۲)

سند چشم‌انداز، تصویر مطلوب و قابل دستیابی کشور در یک افق زمانی معین (کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت) است که در قالب اهداف جامعی مدنظر قرار می‌گیرد. سند مذکور به‌عنوان چارچوب و الگو ایران در آینده طراحی و تنظیم گردید تا کشور در فضای رقابت موجود در جهان و منطقه در سال ۱۴۰۴ موفق به کسب جایگاه اول گردد. اهداف مدنظر در سند، مرتبط با حقوق اقتصادی و توسعه بیان می‌شود.

در سند چشم‌انداز، ایران کشوری توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فن‌آوری در سطح منطقه، برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تامین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به‌دور از فقر و فساد و تبعیض، با رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل باید تبدیل شود.

در سند آمده است که در تهیه، تدوین و تصویب برنامه‌های توسعه و بودجه‌های سالیانه، این نکته مورد توجه قرارگیرد که: شاخصه‌های کمی از قبیل: نرخ سرمایه‌گذاری، درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی، نرخ اشتغال و تورم، کاهش فاصله درآمد میان دهک‌های بالا و پایین جامعه، رشد فرهنگ و آموزش و پژوهش و توانایی‌های دفاعی و امنیتی، باید متناسب با سیاست‌های توسعه،

اهداف و الزامات چشم‌انداز، تنظیم و تعیین گردد و این سیاست‌ها و هدف‌ها به صورت کامل مراعات شود.

در تهیه و تدوین سند چشم‌انداز که پنج سال از ۱۳۷۸ به طول کشید، در سال ۱۳۸۲ پس از اصلاحاتی که مقام رهبری در آن مصوبات انجام دادند به تصویب نهایی رسید (در تاریخ ۱۳۸۲/۰۸/۲۳ به قوای سه گانه ابلاغ گردید). «یکی از مهم‌ترین بخش‌های این سند، عدالت اجتماعی و فقرزدایی است و این مساله از قله‌های چشم‌انداز است. زیرا جامعه از لحاظ معاش و نیازهای ضروری باید اطمینان یابد». (قصری، ۱۳۸۸) نتایج یک پژوهش حاکی از آن است که سند چشم‌انداز بر مولفه‌های امنیت انسانی تکیه‌نموده و امنیت اقتصادی پس از امنیت اجتماعی در مرتبه دوم قرار دارد. سپس امنیت شخصی، سیاسی، غذایی، بهداشتی و در نهایت امنیت محیطی قرار گرفته است. (قصری، ۱۳۸۸)

سند چشم‌انداز بر لزوم تحقق توسعه، محو فقر، اشتغال، رفاه مردم و یک رقمی شدن تورم تاکید نموده و صحبتی از دیگر حقوق مردم ایران ننموده‌است.

۳-۳-۱ قانون اجازه الحاق دولت شاهنشاهی ایران به میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۵۴)

قانون مذکور در ۱۴ آذر ۱۳۵۱ بدون هیچ‌گونه حق شرطی به تصویب رسید. دولت ج.ا. ایران نیز با توجه به عدم صدور اعلامیه‌ای مبنی بر مورد قبول نبودن میثاق مذکور به آن ملحق می‌باشد. از آنجایی که طبق ماده ۹ قانون مدنی، عهدنامه‌ها و اعلامیه‌هایی که ایران عضو آن می‌باشد در حکم قانون می‌باشد بنابراین به آن متعهد است.

بند ۱ ماده ۲ بر همکاری میان دولت‌ها برای تحقق حقوق اقتصادی ملت خود تاکید نموده‌است. این بند وظیفه‌ای را بر عهده دولت‌ها قرار داده‌است تا به تعامل و ارتباط میان دولت‌ها و بازیگران غیر دولتی به عنوان ابزاری برای تحقق حقوق اقتصادی و توسعه کشور خود بپردازند.

مواد ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۸، ۷ در میثاق بین‌المللی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶م. برحق برخورداری از شرایط عادلانه و مناسب کار، حق برخورداری از زندگی مطلوب با وجود غذا،

پوشاک و مسکن، بهداشت کافی، آموزش و پرورش، حق برخورداری از پیشرفت علوم و فنون و حق برخورداری از مزایای دستاوردهای فکری و هنری تاکید نموده‌است.

۴-۳-۱ قانون هواپیمایی کشوری (۱۳۲۸)

قانون مذکور توسط مجلس شورای ملی در ۱ مرداد ۱۳۲۸ با ۳۵ ماده به تصویب رسید. ماده ۱۶ آن، پرواز هواپیمای متخلف در صورتی که محتمل خطر برای سرنشینان هواپیما یا اشخاص یا حیوانات روی زمین یا حدوث خسارتی برای اموال اعم از منقول یا غیر منقول باشد ممنوع می‌سازد. با توجه به عدم نسخ قانون مذکور، ماده اشاره شده دولت ج.ا. ایران را متعهد می‌کند تا از پرواز هواپیماهایی که به طور کامل آزمایش‌های مربوطه را با موفقیت طی نمی‌کنند یا از قطعات و تجهیزات بیش از زمان مورد نظر کارخانه سازنده و بدور از ضوابط فنی استفاده می‌کنند، جلوگیری نماید؛ زیرا امکان بروز مشکل برای هواپیما و به خطر افتادن جان انسان‌ها وجود دارد. این امر باید با توجه به فعالیت هواپیماهای ۴۰ ساله در ایران در نظر گرفته شود.

۵-۳-۱ قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان (۱۳۸۸)

این قانون مشتمل بر ۲۲ ماده و ۱۵ تبصره در ۱۵ مهر ۱۳۸۸ توسط مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۸/۷/۲۳ به تایید شورای نگهبان رسید.

این قانون در حوزه تامین رفاه شهروندان ایران از مجموعه حقوق اقتصادی مدنظر قرار می‌گیرد. در بند ۵ ماده ۱ هرگونه سازش و مواضعه بین عرضه‌کنندگان کالا و خدمات به منظور افزایش قیمت یا کاهش کیفیت یا محدود نمودن تولید یا عرضه کالا و خدمات یا تحمیل شرایط غیرعادلانه براساس عرف در معاملات، تبانی خوانده شده‌است.

عدم رعایت بند مذکور در قیمت بسیاری از کالاها و به‌عنوان نمونه خودرو به دلیل سوء مدیریت و تحریم‌ها قابل مشاهده‌است. استمرار تحریم‌ها با توجه به کاهش همکاری‌های بین‌المللی مالی، فنی و کاهش تولید و صادرات به سهم خود باعث شده‌است تا شرایط مساعدی برای عرضه کالا و خدمات با کیفیت و بهای متناسب به‌وجود نیاید.

۶-۳-۱ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو (۱۳۸۶)

این قانون مصوب ۱۳۸۶/۳/۲۳ مجلس شورای اسلامی می‌باشد. با توجه به نقش و تاثیر صنعت خودرو در اشتغال، تامین امنیت شخصی شهروندان ایرانی و رفاه آنان، قانون مذکور برای دولت ج.ا.ایران تعهدآور است.

در ماده ۲، عرضه‌کننده موظف به رعایت ضوابط (استانداردهای) ابلاغی در مورد ایمنی، کیفیت، سلامت خودرو و مطابقت آن با ضمانت ارایه شده به مصرف‌کننده می‌باشد. کاهش کیفیت خودروها با وجود انحصار در عرصه خودرو و تعرفه بالای واردات در تضاد با ماده ۲ می‌باشد.

هم‌چنین طبق ماده ۳۳ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو ۱۳۸۹ عرضه‌کنندگان خودرو موظف هستند رضایت مصرف‌کننده را از خدمات ارایه شده خود در دوران ضمانت و تعهد تامین کنند، چنان‌چه رضایت مصرف‌کننده تامین نشود وی بدوا می‌تواند شکایت خود را در مورد خودروهای ساخت داخل به وزارت صنایع و معادن و در مورد خودروهای وارداتی به وزارت بازرگانی تسلیم کند.

۷-۳-۱ قانون نفت (۱۳۶۶)

قانون فوق مشتمل بر دوازده ماده و سه تبصره، نهم مهر ماه ۱۳۶۵ در مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۶۶،۷،۲۳ به تایید شورای نگهبان رسیده‌است.

در ماده ۱۰ آن، وزارت نفت مکلف است نسبت به تربیت و تجهیز نیروی انسانی مورد نیاز و راه‌یابی به تکنولوژی (فن‌آوری) پیشرفته و رشد و توسعه در رشته‌های مختلف صنعت نفت به طرق مقتضی و با هماهنگی و تبعیت از سیاست‌های وزارت فرهنگ و آموزش عالی (علوم، تحقیقات و فن‌آوری) و با طرح برنامه‌های آموزشی و تشکیل مراکز تعلیماتی و تاسیس مجتمع‌های تحقیقاتی و آزمایشگاهی به‌طور مستمر بکوشد و با اتخاذ تدابیر مؤثر در راه بالا بردن سطح دانش و اطلاعات علمی و عملی کارکنان و کارشناسان و ایجاد محیط مناسب برای جذب و تشویق عناصر کار آمد متعهد و متخصص اقدام نماید.

فرار مغزها بنا بر نظر نمایندگان مجلس شورای اسلامی، عدم همکاری شرکت‌های بین‌المللی معتبر و باتجربه در ایران در راه تعامل علمی و کسب تجربه، خلل و مانع می‌باشد که این امر در تضاد با ماده ۱۰ قانون اشاره شده است.

نتیجه‌گیری

تحریم‌ها بر هر کشوری به صورت منفی اثرگذار است، چرا که اقتصاد دنیا به خصوص در فضای متقابل پیچیده و درهم تنیده امروزی که همکاری و رقابت، جای ستیزه‌جویی را گرفته به هم متصل و مرتبط است. هر چه کشوری از تعامل و ارتباط دورتر باشد و در نظام تولید جهانی جایگاه ضعیف‌تری داشته باشد اثرگذاری تحریم‌ها بیشتر می‌شود.

به همین منظور باید در حوزه داخلی به طور همه جانبه با تقویت رابطه مردم و حکومت در بحث تحریم‌ها به شفاف‌سازی و تشریح اثرات آن و تولید اقتصادی تلاش نمود و از پرداختن به امور غیر واقعی پرهیز نمود. در این خصوص در مورد نقش منفی تحریم‌ها نباید اظهار به بی‌تاثیری و نقش مثبت آن گردد چرا که موجب گمراهی افکار عمومی و طراحان برنامه‌های کلان ملی و تشدید تحریم‌ها از سمت دولت‌های خارجی به منظور تاثیرگذاری و درک اثرات آن از سوی مسئولین ایرانی می‌گردد. بنابراین با کار و تلاش دوچندان و پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی در داخل باید نسبت به توسعه انسانی و پیروزی ملی و سرفرازی نظام جمهوری اسلامی همت گماشت.

در مجموع باید گفت تحریم‌های شورای امنیت لزوم رعایت اصول انسانی و حقوق بشر که بسیاری از اصول آن جهان شمول است را نادیده گرفته است. بدعت‌هایی در روابط خود با یکی از اعضای سازمان ملل متحد در نظر گرفته است و به صراحت حق ارتباط علمی و دفاع ایرانیان را نقض نموده است، تناسبی میان حقوق نقض شده (به نظر شورای امنیت) و نقض حقوق شهروندان ایرانی وجود ندارد و در نهایت از مشروعیت برخوردار نیست، اما با این وجود به دلیل قانونی بودن و لزوم تبعیت از منشور و شورای امنیت از ارکان اصلی سازمان ملل متحد قابل پیگرد نیست.

اما تحریم‌های یک جانبه به دلیل کلی بودن آن، عدم رعایت تحریم هوشمندانه پس از تجربه تلخ عراق، تنبیه دسته جمعی مردم یک کشور و نقض شدید حقوق بشر و امنیت اقتصادی آنان، نقض بند ۴ ماده ۲ منشور که بیانگر عدم توسل به زور می‌باشد، (اشمیت، ۱۳۹۲) مداخله در

امور داخلی ایران (از سوی امریکا نقض بیانیه الجزایر) احرازگر مسئولیت بین المللی تحریم کنندگان می باشد. با توجه به آن که ایران با بعضی از دولت های اروپایی و امریکا عهدنامه مودت امضا نموده است.

منابع فارسی

- ترکان، اکبر و همکاران، (۱۳۹۱). حاکمیت بر صنعت نفت و گاز ایران، تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی، چاپ دوم.
- تیگرشتروم، باربارا فن، (۱۳۸۹). امنیت انسانی و حقوق بین الملل، ترجمه: اردشیر امیرارجمند، حمید قنبری، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- شکوه، حسن، (۱۳۹۰). بررسی ظرفیت های تحقق ۲/۵ میلیون شغل در سال ۱۳۹۰، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- خضری، محمد، (۱۳۸۵). پیامدهای تحریم اقتصادی ایران و راه های مقابله با آن، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ربیعی، فرانک، (۱۳۸۱). حقوق قراردادها، تهران: نشر بهنامی.
- کاتوزیان، همایون، (۱۳۷۲). مصدق و مبارزه برای قدرت ایران، مترجم فرزانه طاهری، تهران: نشر مرکز.
- گروه مولفان موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، (۱۳۸۸). بررسی روند تحریم های فراتر از قطعنامه های سازمان ملل علیه ایران، تهران: موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
- عالی پور، حسن، (۱۳۹۰). امنیت هوایی و ماهیت حقوقی تحریم ترابری هوایی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نیک رفتار، حامد، جنتی فرد، محمد، صفدری، فرناز، (۱۳۸۹). گزارش رقابت پذیری ایران ۲۰۱۱-۲۰۱۰، تهران: مرکز تحقیقات و بررسی های اقتصادی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران (اندیکا).

مقاله ها

- افضل ابرقویی، نوشین، خانی، وجیهه، (۱۳۹۱). علل و آثار فرار سرمایه در اقتصاد ایران، روزنامه دنیای اقتصاد.
- خوش چهره، محمد، (۱۳۹۰). روزنامه شرق، شماره ۱۳۴۲، سال نهم.
- سریع القلم، محمود، (۱۳۹۰). (مصاحبه) ماهنامه مهرنامه، شماره ۱۹، سال دوم.
- سلطانی، پدram، راهبردهای بازکردن گره های صادراتی (گفت و گو)، روزنامه شرق، شماره ۱۳۸۴، سال نهم.
- صفارزاده، محمود، (۱۳۹۰). چالش های کشور در بخش حمل و نقل هوایی و فرودگاهی، ماهنامه صنایع هوایی، شماره ۲۴۱.
- علوی، ابراهیم، (۱۳۸۷). بحران گروگان گیری و تحریم ایران، نشریه راهبرد (مرکز تحقیقات استراتژیک)، شماره چهل و هفت.
- گری کینگ، کریستوفر موری، (۱۳۸۳). امنیت انسانی، مترجم: بحرانی، مرتضی، تهران: مطالعات راهبردی، شماره ۲۶.

- لیلاز، سعید، (۱۳۹۰). تاثیر تحریم نفت بر اقتصاد ایران، چرا اقتصاد ایران زانو نمی‌زند؟، نشریه آسمان، دوره جدید شماره ۹.

- نورانی بهرام، نجومی، احسان، الگوی برداشت از مخازن نفتی مشترک هیدروکربنی خلیج فارس، فصل‌نامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش ۲۸۴.

- مولایی، یوسف، (۱۳۹۰). شرایط تاریخی و ضرورت گفتمان فراگیر ملی، روزنامه شرق، پنجشنبه، شماره ۱۴۴۹.

- یآوری، کاظم، محسنی، رضا، (۱۳۸۸). آثار تحریم‌های تجاری و مالی بر اقتصاد ایران: تجزیه و تحلیل تاریخی، فصل‌نامه مجلس و پژوهش، شماره ۶۱، سال شانزدهم.

- یزدان فام، محمود، (۱۳۸۷). تحریم‌های بین‌المللی و امنیت ملی ج.ا.ایران، فصل‌نامه مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره چهارم.

روزنامه‌ها

- روزنامه همشهری، شماره ۵۴۷۵، سال نوزدهم، پنجشنبه ۲۰ مرداد ۱۳۹۰

- روزنامه همشهری، شماره ۵۷۶۲، سال بیستم، چهارشنبه ۲۵ مرداد ۱۳۹۱

- روزنامه شرق، شماره ۱۵۴۷، سال نهم، پنجشنبه ۱۸ خرداد ۱۳۹۱

- روزنامه شرق، شماره ۱۳۶۶، سال نهم، چهارشنبه ۲۰ مهر ۱۳۹۰

منابع انگلیسی

Tzanakopoulos, Antonios, *Disobeying The Security Council (Countermeasures against Wrongful Sanctions)*, Oxford University Press. Publish in the United State of America, 2011

Article

-Foryst, Carole A, *Rethinking National Security Strategy Priorities*. Journal of International & Counter International, 2010, Vol.23, No.3

-Lee, Peter , *Who will Iran sanctions really*

cripple?http://www.atimes.com/atimes/China/NF30Ad01.html-2012-09-16

-Farzanegan, Mohammad Reza, *Oil revenue shocks and government spending behavior in Iran*, Energy Economics, 33 ,2011

-KennethKatzman, *Iran Sanctions*,(Congressional Research Service),www.crs.gov, December 2, 2011

Document

-ILC,Commentary to article 40,p285,para 8-General Comment No.8,The relationship between economic sanctions and respect for economic, social and cultural rights (Seventeenth session, 1997), U.N. Doc. E/C.12/1997/8 (1997), reprinted in Compilation of General Comments and General Recommendations Adopted by Human Rights Treaty Bodies, U.N. Doc. HRI/GEN/1/Rev.6 at 50(2003)

Site

http://www.un.org

http://www.iccwbo.org

http://state.wto.org

<http://hdr.undp.org>
<http://times247.com>
<http://country.eiu.com>
<http://www.imf.org>
<http://www.pionline.com>
<http://unctad.org>
<http://www.talarebourse.com>
<http://www.iraneconomics.net>
<http://english.ahram.org>
<http://www.vivannews.com>
<http://aviationnews.ir>
<http://www.telegraph.co.uk>